

## راه کارهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام برای برون رفت همسران از تنش های زندگی زناشویی

حسین قاضی خانی<sup>۱</sup>

### چکیده

با توجه به جایگاه خانواده در اسلام و اهمیت حفظ بنیان های زندگی مشترک، شناخت راه کارهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام برای برون رفت همسران از تنش های زندگی زناشویی می تواند زمینه الگوگیری از سیره ایشان را فراهم سازد. برای پاسخ به این پرسش که آنها چه راه کارهایی برای چنین مشکلاتی داشتند؟ در این نوشتار ابتدا اختلافات خانوادگی آنها در منابع کهن تاریخی، حدیثی و تفسیری جمع آوری شد. سپس با ترکیب و تلفیق ماجراهای هم راستا، راه کار استفاده شده برای برون رفت از آن اختلافات مورد شناسایی قرار گرفت. در برخی موارد نیز چرایی بروز آن اختلافات بررسی شد. یافته های این پژوهش نشان می دهد که رفع تنش و بازگرداندن پایداری به زندگی زوجین، برنامه محوری پیشوایان معصوم علیهم السلام بود. آنها اغلب راه کارهایی مانند بخشش، میانجی گری، الگودهی عینی، حکمیت و مهار رشک بری را برای برون رفت از چنین مشکلاتی استفاده می کردند. در سیره آن بزرگواران طلاق بدون داشتن دلیل منطقی مورد پذیرش نبود. آنها همواره بازگشت دوباره زوجین به زندگی مشترک و حفظ منافع فرزندان را مورد توجه قرار می دادند.

**کلیدواژه ها:** اختلافات زناشویی در سیره پیشوایان علیهم السلام، زن در سیره پیشوایان علیهم السلام، زندگی مشترک در سیره معصومین علیهم السلام.

۱. استادیار گروه تاریخ تشیع پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. H.qazikhani@isca.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۰۱/۰۴/۱۰

تاریخ دریافت: ۰۱/۰۱/۲۰

## در آمد

در زندگی مشترک به سبب در کنار هم قرار گرفتن دو انسان با اندیشه، باور، جایگاه، علاقه و سلیقه‌های گوناگون، مناسبات همسران از اختلاف، تنش و نزاع به دور نخواهد بود. در زندگی زناشویی همّت زوجین باید معطوف به پایداری روابط باشد، لذا باید برای برون‌رفت از تنش‌ها چاره‌اندیشید. در غیر این صورت عدم توجه به برطرف کردن اختلاف و تنش در نهایت روابط ایشان را به نزاع و جدایی سوق خواهد داد. جستن راه‌کاری مناسب برای رهایی از چالش‌های بروز یافته نیازمند دقت است؛ چه بسا که ممکن است برخی راه‌کارها به نادیده انگاشتن حقوق زوجین و تخریب شخصیت ایشان منجر شود یا خود زمینه‌ساز اختلاف و چالشی دیگر شود.

با توجه به جایگاه پیامبر و امامان علیهم‌السلام در نظام معرفتی دینی و آگاهی ایشان از احکام الهی، سؤال این نوشتار آن است که رسول خدا و امامان علیهم‌السلام در مواجهه با اختلافات زوجین چه راه‌کارهایی برای برون‌رفت روابط ایشان از تنش ارائه کرده‌اند؟ در راستای پاسخ‌گویی به این پرسش در گام نخست با مراجعه به متون تاریخی، حدیثی و تفسیری، موارد بازتاب یافته از اختلاف همسران در تاریخ زندگانی این مردان الهی استقراء شد. آن‌گاه وقایع مشابه ترکیب و تلفیق شد تا راه‌کار مشترک برون‌رفت معصومان شناسایی شود. در مواردی نیز برای فهم راه‌کار، متون مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

## پیشینه پژوهش

به سبب اهمیت خانواده در اسلام آثار فراوانی در این زمینه نگارش شده است. بخشی از این آثار ناظر به اختلاف میان همسران است و در آنها تلاش شده تا با آسیب شناسی روابط زوجین و با استفاده از آیات و روایات راه‌کارهای برای رهایی از اختلافات ارائه شود. در مقاله «مدیریت تعارض‌های زناشویی با رویکرد حل مسئله از منظر مشاوره خانواده و اسلام» اثر نجمه بارباز اصفهانی و همکاران (۱۳۹۵ش)، کتاب زوج درمانی با روی آورد اسلامی به قلم محمدرضا سالاری فر (۱۳۹۸ش) و خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی دیگر اثر محمدرضا سالاری فر (۱۳۹۵ش)، به مسئله حل تعارض میان زوجین توجه شده است. در این آثار رویکرد ورود به مباحث، آموزش مهارت‌های حل تعارض است که ضمن آن نگاهی به مسئله اختلاف زوجین و راه‌کارهای آن از منظر اسلام نیز شده است. همچنین در کتاب‌های دیگری مانند زن در چشم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اثر ناهید طیبی (۱۳۸۵ش) و سبک زندگی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با همسرانش نوشته فرزانه حکیم‌زاده (۱۳۹۳ش) که با رویکرد تاریخی به نگارش درآمده‌اند می‌توان ماجراهایی از اختلاف همسران و نحوه مواجهه حضرت با این موارد را نظاره‌گر بود. اما در مجموع باید گفت که هدف از نگارش این آثار بر محور تنش در روابط زوجین از دیدگاه معصومین نبوده است. این در

حالی است که محور پژوهش حاضر بر اساس گفتار و رفتار عملی پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام به عنوان راهنمایان دینی در مواجهه با مشکلات زوجین برای برون‌رفت از تنش‌های روی داده در روابط همسران شکل گرفته است.

### راه‌کارهای حل اختلاف و بازگشت به زندگی مشترک

به سبب جایگاه نظام خانواده در اسلام، اهتمام اصلی پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام در مواجهه با تنش در روابط زوجین بر آن است تا این اختلاف‌ها برطرف شود و همسران به روال طبیعی زندگی مشترک خود بازگردند. در این راستا راه‌کارهای ذیل از سوی آن بزرگوران مورد استفاده قرار گرفته است:

۱. بخشش: زندگی زوجین روزانه آکنده از رفتارهای ناصوابی است که اگر مورد بخشش قرار نگیرند، ادامه زندگی سخت خواهد شد. در توصیه‌های معصومین علیهم السلام، از مردان عطف نسبت به همسران طلب شده است. پیامبر ﷺ پس از آن که نسبت به رفتار برخی مردان در آزدن جسمانی همسران شان آگاه شد، فرمود: چگونه مردی می‌تواند از همسرش انتظار معافه و معاشقه داشته باشد در حالی که او را با کتک زدن می‌آزارد (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۶۹/۱۱؛ ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲: ۹۱۱/۳). امام صادق علیهما السلام افزون‌بر آن که گذشت خطاهای ناآگاهانه زن را از جمله حق‌های او بر مردش می‌شمارد (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۷۱/۱۱)، در نمونه‌ای عملی می‌فرماید: پدرم را همسری بود که ایشان را می‌آزد اما پدرم از وی درمی‌گذشت (همان؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۴۴۱/۳). از آن سو نیز در قرآن گذشتِ زن، راه‌کاری قدرشناسانه بر خشونت مردان یاد شده است. مفسرین آورده‌اند: میان زن و شوهری از انصار بگومگو درگرفت. مرد بر صورت همسرش سیلی زد و زن به نزد پیامبر ﷺ شکایت برد. گویا آن مرد سعد بن ربیع از بزرگان انصار و زن حبیبه بنت زیدبن ابی‌زهیر بود. پدر حبیبه به همراه دخترش به نزد رسول خدا آمد و عرضه داشت: دخترم را به همسری سعد داده‌ام و او این چنین رفتار کرده است. با آن که انتظار آن بود تا سعد در برابر این رفتار مورد تقاص قرار گیرد با نزول آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا قَضَى اللَّهُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء / ۳۴)، بدان سبب که در زندگی، مردان پناه‌گاه همسران هستند و با حاصل دست‌رنج ایشان زندگی اداره می‌گردد به نوعی بیان می‌شود که می‌بایست این نوع برخوردها مورد بخشش کریمانه بانوان قرار گیرند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۳۷۰/۱؛ طبری، ۱۴۱۲: ۳۸/۵). ماجرای مرتبط با نزول آیه ۱۲۸ سوره نساء نیز مصداقی برای ضرورت راه‌کار گذشت به عنوان شیوه‌ای برای رهناندن زندگی از چالش طلاق است. در آن ماجرا به سبب ازدواج شوهر با زنی جواتر، روابط میان مرد و همسر پایه‌سن نهاده‌اش به تنش و طلاق می‌انجامد و آن بانو برای حفظ زندگی، مهرورزی‌های شوهر با همسر

جوان را بر خود مقدم می‌سازد (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۴۱۲/۱؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۹۸/۵؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۳۹۴/۳).

۲. سفارش به نیک‌رفتاری: گاه برای بزرگان خاندان و سرشناسان جامعه به دلیل منزلت این ظرفیت فراهم است تا با سفارش زوجین به نیک‌رفتاری برخی چالش‌های زندگی مشترک ایشان را چاره کنند. از جانب رسول خدا راه‌کار سفارش به نیک‌رفتاری در چند ماجرا قابل رصد است. حواء دختر زید بن سکن که از قبیله اوس بود بدان روی که در سفری به مکه قبل از هجرت پیامبر ﷺ در دیدار با حضرت آیین اسلام را پذیرفت و با ایشان بیعت کرد، توسط همسرش قیس بن خطیم که وی نیز در شمار اوسیان بود، مورد اذیت قرار می‌گرفت. زمانی قیس در یکی از بازارهای مکه حضور یافت، پیامبر ﷺ به دیدارش رفت و او را گفت: مرا خبر رسیده است از زمانی که همسرت از آیین تو دوری گرفته است با او بدررفتاری می‌کنی، از خدا پروا نما و حرمت مرا درباره او پاس دار. قیس پذیرفت تا حواء را نیازارد و حتی زمانی که او را می‌گفتند: همسرت از آیین محمد ﷺ پیروی می‌کند او پاسخ می‌داد آری ولی من برای محمد ﷺ تعهد کرده‌ام که نسبت به حواء بد رفتاری نکنم (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۲۴۷/۸).

نمونه دیگر کاربست این راه‌کار را می‌توان در حل اختلاف ایجاد شده میان ابورافع غلام آزاد شده رسول خدا و سلمی مشاهده کرد. روزی سلمی به نزد پیامبر ﷺ آمد تا حضرت را از مضروب شدن خود توسط ابورافع آگاه سازد. چون پیامبر ﷺ از ابورافع دلیل رفتارش را پرسید پاسخ شنید که سلمی او را آزرده است. حضرت از سلمی چگونگی مسئله را جویا شد. او پاسخ گفت: یا رسول الله او را نیاززده‌ام ولیکن ابورافع در حالتی که حدی از وی بروز یافته بود نماز گزارد؛ بدو گفتم: رسول خدا مسلمین را فرمان داده‌اند چون از ایشان بادی خارج شد برای نماز آب‌دستی دوباره سازند، پس او برخاست و مرا کتک زد. رسول خدا در حالی که می‌خندید فرمود: ای ابورافع همانا همسرت تو را جز به نیکی فرمان نداده است و در ادامه ابورافع را به نیک‌رفتاری با همسرش سفارش کرد (احمد بن حنبل، بی‌تا: ۲۷۲/۶).

نمونه دیگر به اختلاف زید فرزندخوانده پیامبر ﷺ و همسرش زینب ارتباط دارد. زید با حضور در نزد پیامبر ﷺ از تصمیم خود مبنی بر جدا شدن از همسرش سخن گفت (ابن حبیب، بی‌تا: ۸۵؛ قمی، ۱۳۶۳: ۱۹۴/۲). به تصریح قرآن رسول خدا با آگاه شدن از تصمیم زید، وی را با گفتن عبارت: «همسرت را نگاه دار و تقوای الهی پیشه ساز» (احزاب/ ۳۷)، از جدایی برحذر داشت و به ادامه زندگی با زینب فرمان داد (طبری، ۱۴۱۲: ۱۰/۲۲؛ طوسی، بی‌تا: ۳۴۴/۸). با آنکه در واکاوی تاریخی مشخص می‌شود زینب از منظر اخلاقی متمایل به تقاضا بوده‌است و نمونه آن در ماجرای خواستگاری وی برای زید (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۸۱/۸؛ طبری، ۱۴۱۲: ۹/۲۲ - ۱۰) و بعدها در زندگی با رسول خدا (ابن سعد،

۱۴۱۰: ۸۱/۸؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۶۸/۲) قابل رصد است اما در مطالعه زندگانی زید معلوم می شود که شاید راهنمایی رسول خدا مبنی بر ادامه زندگی زید با زینب بی ارتباط با آن نباشد. عدم تعامل مناسب زید با رفتارهای زینب نشان از آن داشت که زید در چگونگی زندگی مشترک با بانوانی بسان زینب مهارت لازم را نیندوخته بود. در گزارش ها آمده است که زید پس از زینب با سه تن از بانوان قریشی به نام های أم کلثوم دختر عقبه بن ابی معیط، دره دختر ابولهب بن عبدالمطلب و هند دختر عوام که در ردیف اشراف و بزرگ زادگان قریش بودند پیوند زناشویی بست که زندگی او با أم کلثوم و دره نیز به سرانجام زندگی با زینب ختم شد و از زندگی مشترک زید با هند نیز زمان زیادی نگذشته بود که زید در جنگ موته به شهادت رسید (همان، ۱۱۲).

ماجرای دیگر در ارتباط با امیرمؤمنان علی علیه السلام است که در گرمای تابستان در حال بازگشت به منزل، بانویی به تظلم خواهی از همسرش راه را بر ایشان بست. امام علیه السلام به درب منزل زن رفت و با فراخوانی شوهر، او را سفارش به نیک رفتاری با زن کرد. مرد که امام علیه السلام را نمی شناخت برآشفته و همسرش را تهدید به آزار بیشتر کرد که حضرت این تعدی بر زن را تاب نیاورد و برآشفته و فرمود: من تو را امر به نیکی می کنم و از بدی برحذر می دارم اما تو با روی آوردن به منکر و رها ساختن معروف با من مواجهه می کنی؟! در این هنگام مردمی که از مسیر عبور می کردند بر حضرت با لقب «امیرالمؤمنین» سلام می دادند. جوان که اینک امام علیه السلام را شناخته بود گفت: یا امیرالمؤمنین خطایم را بر من نادیده بگیر به خدا قسم که زین پس شوهر خوبی برایش خواهم بود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۰۶/۲).

۳. الگودهی عینی: از جمله ابزارهایی که می توان به سبب آن اصلاح را در رفتار افراد انتظار داشت معرفی الگوهای عینی در رفتارهای عملی است. زندگی زناشویی عثمان بن مظعون یکی از صحابیان به نام رسول خدا با همسرش خوله دختر حکیم که از وی با لقب حواء نیز یاد شده است به چالش عدم مهرورزی های همسرانه از جانب عثمان دچار بوده است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که از ماجرا آگاه شد عثمان را طلبید و از دلیل رفتارش پرسید. عثمان جواب داد همسرم را برای خدا ترک گفته ام تا خود را به عبادت مشغول سازم. در این هنگام رسول خدا از عثمان می خواهد تا از رفتار او الگو بگیرد و او را به رفتن به جانب همسرش و مهرورزی با او فرمان می دهد و عثمان را آگاه می سازد که همسرش را نیز بر او حقی است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۰۲/۳؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۲۵۶/۱۰؛ طبری، ۱۴۱۲: ۸/۷). عبدالله بن عمرو بن عاص دیگر فردی است که داده های تاریخی از بروز چالش عدم توجه به روابط همسرانه در زندگی زناشویی وی سخن می گویند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با بیان سیره خود، او را نیز به عشق ورزی با همسرش فرمان داد (احمد بن حنبل، بی تا: ۱۵۸/۲).

۴. مقابله با زیاده طلبی‌های اقتصادی: از جمله آسیب‌های زندگی مشترک، زیاده‌طلبی و رفاه‌خواهی نابه‌جا است. پس از آنکه در غزوه خیبر غنائم فراوانی نصیب مسلمانان شد، همسران پیامبر ﷺ نیز که خود را سزاوار بهره‌مندی از مواهب دنیوی می‌دانستند هر کدام از حضرت چیزی طلب کردند. رسول خدا در مواجهه با این درخواست‌ها به مدت یک ماه از همسران خود کناره‌گرفت تا این‌که آیاتی نازل شد و با لحنی قاطعانه اما همراه با لطف بیان داشت: «ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید بیائید هدیه‌ای به شما دهم و شما را به شیوه‌ای نیکو رها سازم! و اگر خدا و پیامبرش و سرای آخرت را طالب هستید خداوند برای نیکوکاران شما پاداش عظیم آماده ساخته است» (قمی، ۱۳۶۳: ۱۹۲/۲؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۳۱/۸). در بررسی تاریخی این ماجرا نخست باید دانست این زیاده‌خواهی اضافه بر سهمی بوده‌است که حضرت از غنائم به همسرانش اختصاص داده بود (واقدی، ۱۴۰۹: ۶۹۳/۲؛ ابن‌هشام، بی‌تا: ۳۴۹/۲). مسئله دوم هم‌رایی تمامی همسران حضرت در این واقعه است (طبری، ۱۴۱۲: ۱۹/۲۱؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۶۸۱/۱۱) که نشان از یک برنامه‌ریزی جمعی داشت. سوم آنکه برخی منابع به کنایه‌های آنها پرداخته‌اند. آنها بیان می‌داشتند پیامبر ﷺ می‌پندارد اگر ما را طلاق گوید افرادی یافت نمی‌شوند که ما را به ازدواج خود درآورند (قمی، ۱۳۶۳: ۱۹۲/۲؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۶۸۰/۱۱). به نظر می‌رسد آنچه رسول خدا را به اخذ این تصمیم کشانیده بود تنها درخواست چند کالا نبود بلکه اندیشه ناصواب این بانوان بود که خود را صاحب شأن اجتماعی و خاندانی می‌دانستند که این زندگی ساده با پیامبر ﷺ مطابق جایگاه ایشان نیست و حضرت باید به رفاه ایشان بیشتر بیفزاید.

۵. میانجی‌گری: از جمله راه‌کارهای پر کاربرد بیرون کشیدن زندگی زوجین از چالش، بهره‌گرفتن از ظرفیت میانجی‌گری است. در نمونه‌های تاریخی کاربرد این راه‌کار، ماجرای بریره و مغیث قابل ذکر است. بریره کنیزی بود که چون آزاد شد، پیامبر ﷺ بر اساس قانون شرع وی را به ادامه زندگی یا جدایی از همسرش مغیث که عبدی سیاه بود، مخیر کرد. بریره مسیر جدایی را در پیش گرفت. گفته شده‌است مغیث در کوچه‌های مدینه در پی بریره روان می‌شد در حالی که اشک از دیدگانش جاری بود و تقاضا می‌کرد بریره به زندگی با وی بازگردد. به درخواست مغیث، پیامبر ﷺ به میانجی‌گری پرداخت اما بریره به بازگشت و زندگی با مغیث روی خوش نشان نداد (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۲۰۱/۸ - ۲۰۵؛ احمدبن حنبل، بی‌تا: ۲۱۵/۱).

در نمونه‌ای دیگر چون میان رسول خدا و عایشه اختلافی بروز کرد. حضرت، پدر عایشه را فراخواند و او را از رفتار دخترش آگاه ساخت و او را به میانجی‌گری خواند (عبدالرزاق، بی‌تا: ۴۳۱/۱۱). زمانی نیز که

میان رسول خدا و حفصه دختر عمر بن خطاب مشاجره ای روی داد، حضرت به حفصه گفت: آیا تمایل داری فردی را حکم قرار دهیم. چون وی با این پیشنهاد موافقت کرد پیامبر ﷺ سراغ پدر حفصه فرستاد (سمعی، ۱۴۱۸: ۲۷۶/۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۵۵/۸).

۶. حکمیت در صورت ترس از شقاق و جدایی: خداوند در آیه پنجم سوره نساء، مسلمین را به هنگام ترس از جدایی میان همسران، به دستورالعملی به نام حکمیت فراخوانده است. در دوران حکومت امام علی علیه السلام زن و شوهری که بر اثر ناسازگاری کارشان به جدایی نزدیک شده بود در مشایعت جمعی از بستگان خود به نزد ایشان آمدند. حضرت با الهام از آیه یاد شده آنها را به انتخاب حکمی از خاندان مرد و حکمی از بستگان زن امر کرد. آنگاه پس از مشخص شدن حکمین به ایشان فرمود: شما می بایست در کار این دو اندیشه و مشورت کنید پس اگر صلاح ایشان را در ادامه زندگی مشترک دیدید بر آن حکم کنید و اگر صلاح در جدایی ایشان بود نظر خود را بیان کنید. زن پذیرفت که بر حکم حکمین تمکین کند اما مرد گفت من به جدایی رضایت نمی دهم که حضرت او را فرمود تو نیز می بایست بر حکم حکمین گردن نهی (قمی، ۱۳۶۳: ۱۳۸/۱؛ طبری، ۱۴۱۲: ۴۶/۵).

۷. مهار رشک بری های زنانه در زندگی چند همسری: از آسیب های زندگی چند همسری، رشک بردن بانوان به روابط شوهر با دیگر همسران است که بر اساس سیره معصومان باید چنین رفتاری را مهار کرد. در بررسی داده های منابع کهن در ارتباط با این گونه تنش، راه کارهای ذیل قابل رصد هستند:

الف) استفاده از عواطف: از آنجا که رشک بری های بانوان برآمده از هیجان احساسات است لذا یکی از راه کارهای مهار آن نیز بهره گیری از عواطف است. روزی بانویی بی آنکه لباس پوشاننده بر تن داشته باشد در مجلس رسول خدا وارد شد و از حضرت خواست او را به دلیل ارتکاب عملی ناشایست مجازات کند. در این هنگام مردی از پی زن آمد و با پیراهنی وی را پوشاند. پیامبر ﷺ از نسبت مرد با زن پرسید. مرد پاسخ داد: همسرم است. با جاریه خود خلوت کرده بودم و این ترفندی است که می نگرید. رسول خدا به مرد فرمود: «او را در آغوش بگیر» و سپس ادامه داد: زن به غیرت درآمده بالای دره را از پایین آن تمیز نخواهد داد» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۵۷/۱۱ - ۱۵۸). این گزارش حکایت از بهره گرفتن از عواطف برای مهار عواطف به هیجان درآمده است.

ب) تبیین چرایی توجه: برخی حسادت ها بدان روست که زنان محبت شوهر به همسر دیگر را حمل بر عدم دوست داشتن خود می کنند. در چنین مواقعی تبیین چرایی محبت می تواند روشنگر این مسئله باشد که مرد از همسر خود و مهرورزی به او غافل نیست.

سخن از اختلاف و نزاع های گاه و بی گاه عایشه با رسول خدا چنان است که افزون بر منابع شیعی در

منابع اهل سنت نیز بازتابی گسترده دارد. محور برخی از این اختلاف‌ها یادکردهای پیامبر ﷺ از حضرت خدیجه رضی الله عنها بوده‌است. با آنکه عایشه خود را با خدیجه رضی الله عنها در جوانی و زیبایی قیاس می‌کرد، حضرت بر او تبیین کرد که دوست داشتن خدیجه رضی الله عنها به سبب اسلام آوردن و حمایت او در زمانی است که دیگران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را تکذیب می‌کردند (قاضی نعمان، ۱۴۰۹: ۱۷/۳ - ۱۸؛ اربلی، ۱۴۲۱: ۱۴۲/۱).

۸. کناره‌گیری موقت: دوری گزیدن موقت، نمونه رفتاری دیگری است که گاه لازم است تا زوجین را به تفکر و تأمل در آنچه از وی نسبت به همسرش بروز یافته است، وادار کند. در سفر حج رسول خدا که همسران ایشان نیز آن جناب را همراهی می‌کردند، شتر صفیه از حرکت باز ایستاد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۰۰/۸؛ احمدبن حنبل، بی‌تا: ۱۳۱/۶ و ۲۶۱). زینب دختر جهش دیگر همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شتری اضافی به همراه داشت لذا حضرت از وی خواست شتر اضافی خود را در اختیار صفیه قرار دهد. اما بدان سبب که صفیه قبل از همسری رسول خدا بر آئین یهود بود ناگاه زینب در پاسخ حضرت گفت: «من چیزی به آن یهودی بدهم»؟ این سخن زینب در اهانت به صفیه بر رسول خدا گران آمد و حضرت در ماه‌های ذی‌الحجه و محرم از زینب کناره گرفت (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۰۰/۸؛ احمدبن حنبل، بی‌تا: ۱۳۲/۶). دلیل گران آمدن سخن زینب بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و واکنش این‌چنینی حضرت را باید در دو امر جست‌وجو کرد. اول آن‌که زینب را سابقه تفاخر فراوان بود که نمونه‌هایی از آن در ماجرای وی با زیدبن حارثه گذشت. دوم آن‌که اهانت به صفیه و یهودی خواندن او از سوی برخی همسران حضرت که در گذشته در غیاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انجام می‌شد و اینک زینب بی‌پروا و در حضور رسول خدا صفیه را یهودی می‌خواند. کناره گرفتن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به گونه‌ای بود که زینب از بازآمدن رسول خدا به منزلش ناامید شده بود و تغییراتی در چیدمان بستر استراحت خود ایجاد کرد. اما سرانجام در نیم روزی مشاهده کرد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خانه‌اش نزدیک می‌شود (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۰۰/۸؛ احمدبن حنبل، بی‌تا: ۱۳۲/۶، ۲۶۱).

راه‌کارهایی که تا کنون مطرح شد حکایت از آن دارند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم‌السلام به هنگام مواجهه با تنش‌های روی داده در زندگی مشترک، همت خود را بدان معطوف داشته‌اند تا روابط ایشان از حالت خصمانه برون آید و با برطرف شدن اختلاف‌ها زوجین به زندگی مشترک خود ادامه دهند.

### راه‌کار جدایی به شرط دلیل منطقی

تلاش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم‌السلام در مواجهه با اختلافات زوجین بر رفع تنش‌ها و پایداری زندگی مشترک استوار بود؛ اما گاهی تنها چاره، قطع پیوند زناشویی بوده‌است. با آنکه جدایی در اسلام امری غیر شرعی نیست اما تأمل در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم‌السلام نشان می‌دهد که آنها جز در مواقع ضروری و



وجود دلیل منطقی، طلاق را نمی‌پسندیده‌اند.

پیامبر ﷺ در مواجهه با مردی که در چندین نوبت اقدام به ازدواج و طلاق کرده بود بی‌آنکه از آن بانوان اشتباهی سر زده باشد فرمود: خداوند چنین افرادی را دشمن می‌دارد (کلینی، ۱۴۲۹: ۴۶۴/۱۱). امام صادق علیه السلام نیز اشخاصی را که از روی لذت‌جویی به طلاق و ازدواج متعدد اقدام می‌کنند، مغضوب خداوند می‌خواند (همان). در دو مورد مشابه پیامبر ﷺ زمانی که از تصمیم ابویوب انصاری (نحاس، ۱۴۲۱: ۱۰/۲؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۴۶۵/۱۱) و ابوطلحه انصاری (حاکم نیشابوری، بی‌تا: ۳۰۲/۲) مبنی بر طلاق همسران‌شان آگاه شد، طلاق آن بانوان را گناه خواند. هر چند در این گزارش‌ها به دلیل سخن رسول خدا اشاره‌ای نشده‌است اما با توجه به دیگر داده‌های تاریخی می‌توان دلیل آن را ردیابی کرد. به نظر می‌رسد سخن زمخشری (متوفای ۵۳۸) که در توضیح سخن حضرت آورده است: «ام‌ایوب یاری‌رسان و اصلاح‌گر در دین‌داری ابویوب بوده‌است» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۸۵/۱) امری پذیرفتنی باشد زیرا در ماجرای ام‌سلیم دختر ملحان هم او سبب اسلام آوردن همسرش بود (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۳۱۳/۸-۳۱۴) و نمونه‌ای از رفتار خردمندانه وی در خبرسانی اخبار خانه به ابوطلحه مبنی بر مرگ فرزندان نیز حاکی از شخصیت و رفتار آن زن است (همان، ۳۱۷/۸؛ احمد بن حنبل، بی‌تا: ۲۸۷/۳-۲۸۸).

۱. جدایی به دلیل اندیشه‌های ناصواب: از آنجا که هویت افراد در ارتباط مستقیم با اندیشه‌های ایشان است و این اندیشه‌ها منش رفتاری افراد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، لذا برخی اندیشه‌ها برتافتنی نیستند. روزی یکی از یاران امام سجاد علیه السلام بر ایشان وارد شد و عرضه داشت که همسر شیبانی شما بر اندیشه خوارج است، از امام علی علیه السلام به نیکی یاد نمی‌کند و از جدتان بیزاری می‌جوید. امام علیه السلام پیرامون این خبر به تفحص و بررسی پرداخت و چون صحت این رفتار بر ایشان آشکار شد از همسر خود جدا شدند (مالک بن انس، بی‌تا: ۳۳۰/۲؛ اشعری قمی، ۱۴۰۸: ۴۹-۵۰؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۶۴۴/۱۰). در مورد امام باقر علیه السلام نیز آمده است: ایشان را همسری از طائفه ثقیف بود که حضرت به او مهر می‌ورزید. عقیده آن همسر در فروکاستن از شأن امام علی علیه السلام بر امام باقر علیه السلام آشکار شد. حضرت ابتدا در اصلاح این اندیشه برآمد و تلاش کرد تا نگاه زن به جایگاه و مقام امام علی علیه السلام را تغییر دهد اما چون وی بر عقیده دوری جستن از امیرالمؤمنین باقی ماند، امام علیه السلام ادامه زندگی مشترک با او را به صلاح ندانست و طلاقش داد (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۴۳/۱۰، ۴۶۶/۱۱، ۳۱۳/۱۳، ۱۰۳-۱۰۴).

درباره اندیشه خوارج باید گفت: آنان امام علی علیه السلام را خلیفه بر حق می‌دانستند که نمی‌بایست به حکمیت تن می‌داد زیرا حکم تنها مخصوص خداوند است. اینان پذیرش حکمیت را گناه کبیره

می‌دانستند و بر این اندیشه بودند که امام علیه السلام نیز مرتکب گناه کبیره و از اسلام بیرون شده‌است و می‌بایست توبه کند (فرمانیان، ۱۳۸۷: ۸۵-۱۲۲). بر این اساس چون نگاه غیرمنصفانه و کینه‌آلود به امام علی علیه السلام محور بخشی از اندیشه‌های خوارج بود، پذیرش دیدگاه خارجی در بیت امامت که محور اصلی ترویج اندیشه‌های علوی بود جایگاهی نداشت. از این‌رو امام علیه السلام بر اساس آموزه‌های اخلاقی و منش هدایتی ابتدا در راستای اصلاح اندیشه همسر خود بر می‌آیند و چون همسر را مُصر بر اندیشه خارجی می‌بیند راه کار طلاق را برای برون‌رفت زندگی خود از این چالش برمی‌گزیند.

۲. جدایی به جهت صفات اخلاقی: از آنجا که همسران در کنار یکدیگر روز و شب می‌گذرانند، صفات اخلاقی و منش رفتاری بر آمده از آنها تأثیر فراوانی بر روابط ایشان در منزل خواهد داشت. بنابراین باید دانست گاه برخی نازیبایی‌های اخلاقی به صفت رفتاری افراد تبدیل می‌شود و تحمل آن به آسانی میسر نیست.

ثابت پسر قیس که در شمار خزرجیان بود، نسبت به همسرش حبیبه دختر سهل بن ثعلبه که وی نیز بانویی خزرجی بود، خشونت و تندی در اخلاق داشت و حتی زمانی حبیبه را به باد کتک گرفت به گونه‌ای که از شکستگی اعضای وی نیز سخن به میان آمده است (طبری، ۱۴۱۲: ۲/۲۸۰)، حبیبه به رسول خدا شکایت برد و حاضر به ادامه زندگی با ثابت نشد. پیامبر صلی الله علیه و آله هم که چنین دید از ثابت خواست اموالی را که به حبیبه داده است، بازستاند و اینگونه بود که حبیبه به نزد خاندان خود بازگشت (مالک بن انس، ۱۴۰۶: ۲/۵۶۴؛ شافعی، ۱۴۰۳: ۳/۲۲۲). همچنین داده‌های منابع از جدا شدن همسر دیگر ثابت از وی به دلیل تندخویی بسان حبیبه سخن می‌گویند (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۴/۱۸۰۲). به نظر می‌رسد با توجه به تندخویی اخلاقی یاد شده از ثابت، بروز اختلاف میان او و همسرانش امری ریشه‌دار بوده‌است؛ لذا به هنگام دادخواهی آن زنان به سبب عدم تمایل به ادامه زندگی مشترک با ثابت، رسول خدا آنها را به دادن اموال ثابت و جدا شدن از وی طبق قانون شرع رهنمون می‌شود بی‌آنکه سفارشی مبنی بر بازگشت ایشان به زندگی مشترک از حضرت گزارش شده باشد. این شیوه طلاق در فقه اسلامی خُلع نام دارد.

۳. جدایی در شرایط خاص: گاه در روابط زوجین چالش‌هایی پدید می‌آید که امکان ادامه زندگی مشترک را سخت یا ناممکن می‌سازد.

حفصه دختر عبدالرحمن بن ابی‌بکر در پیوند زناشویی با امام حسن علیه السلام بود. این درحالی بود که منذر فرزند زبیر نیز خواهان حفصه بود. روزی امام مجتبی علیه السلام در مورد این امر چیزی شنید لذا حضرت پیوند خود را با حفصه گسست. به نظر می‌رسد این امر، ریشه در رفتارهای منذر داشته باشد. به دلیل آنکه حفصه پس از امام علیه السلام با عاصم فرزند عمر بن خطاب پیوند زناشویی بست اما منذر باز وی را رها نساخت

و سخنان نابخردانه خود را تکرار می کرد و عاصم نیز وی را طلاق داد. سرانجام هرچند حفصه تمایلی به ازدواج با منذر نداشت به سبب رفتارهای او مجبور به ازدواج با وی شد و مردم دانستند سخنان منذر در مورد حفصه بی اساس بوده است (ابن سعد، ۱۴۱۴: ۳۰۵/۱ - ۳۰۷؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۲۷۴/۳ - ۲۷۵).

عایشه خثعمیه همسر امام حسن علیه السلام پس از شهادت امام علی علیه السلام و به خلافت رسیدن امام حسن علیه السلام، منصب خلافت را به امام علیه السلام تبریک گفت. حضرت او را فرمود: شماتت خود را در شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام اظهار می داری؟ و او را طلاق داد (دارقطنی، ۱۴۱۷: ۲۰/۴؛ بیهقی، بی تا: ۳۳۶/۷). مشکل این خبر آن است که در متن گزارش سخن از سه طلاقه کردن همسر در یک مجلس به میان است که در فقه ائمه پذیرفتنی نیست.

۴. جدایی در پی تهمت خیانت به همسر و لعان: طبق دستور قرآن کسانی که زنان پاکدامن را متهم به عمل منافی عفت کنند و شاهی بر مدعی خود نداشته باشند سزای شان تازیانه است (نور / ۴)؛ اما اگر مردی اصرار بر آلودگی دامان همسرش داشته باشد و مدعی شود که خود عمل وی را دیده است و شاهی بر این ادعا نداشته باشد چاره کار «لعان» است (نور / ۶-۱۰).

آیات لعان در ارتباط با ادعای هلال بن امیه انصاری (طبری، ۱۴۱۲: ۶۵/۱۸ - ۶۶؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۲۵۳۳/۸) یا عوبیر بن ابیض عجلانی (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۱۸۴/۳ - ۱۸۷؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۲۵۳۵/۸) نازل شده است. هر چند گزارش ها نشان از آن دارند که حضرت در آغاز در تلاش است این مردان از ادعای خود بازگردند اما زمانی که آنان بر سخن خود پای می فشارند و زن نیز منکر عمل ناشایست است چاره کار در لعان و حکم به جدایی ایشان توسط رسول خدا دانسته می شود. پس از اجرای لعان، زوجین از هم جدا می شوند و دیگر امکان زندگی مشترک برای آنان فراهم نیست. گزارش های تاریخی در راه کار جدایی نشان از آن دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام طلاق بدون سبب منطقی را بر نمی تافته اند و آن را صرفاً برای پایان دادن به تنش های زندگی مشترک در مواقع خاص مورد استفاده قرار داده اند.

۵. ملاحظات پس از طلاق: از دیدگاه معصومین اجرای صیغه طلاق انتهای مسیر مشترک زندگی زوجین نیست. حق مسکن در ایام عده به عنوان راه کاری بر امکان بازگشت به زندگی مشترک از سوی ائمه علیهم السلام مورد تأکید بوده است. به فرموده امام صادق علیه السلام زن طلاق داده شده در ایام عده در منزل خود می نشیند و زینت های خود را برای مردش آشکار می سازد شاید پس از آن خداوند امر دیگری را رقم زند (قاضی نعمان، ۱۴۰۹: ۲۹۲/۲؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۳۱/۸). در سبب این فرمان افزون بر مباحث حقوقی می توان گفت چه بسا در این ایام با در معرض دید هم بودن همسران، مهر زن دوباره در دل مرد

به جوشش درآید و او به زندگی مشترک خود بازگردد. سفارشی که حتی در آن از ظاهر ساختن زینت و استعمال بوی خوش از سوی زن برای دل‌ربایی از مردش سخن به میان است (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۵۸/۱۱-۵۵۹) تا شاید با تحت تأثیر قرار دادن مرد، دوباره وی به جانب همسرش گرایش یابد و از قطع پیوند به ادامه زندگی متمایل شود. همچنین منافع فرزندان پس از جدایی مورد توجه پیشوایان بوده است تا متناسب با سن و شرایط، فرزند قربانی اختلافات والدین بر سر مسائل حضانت نگردد (عبدالرزاق، بی‌تا: ۱۵۳/۷؛ نسائی، ۱۴۱۱: ۳/۳۸۲).

### نتیجه

خانواده در اسلام جایگاه والایی دارد لذا تلاش برای حفظ پایداری آن به هنگام اختلاف میان زوجین مورد توجه پیشوایان معصوم بوده است. بررسی تنش‌های روی داده در روابط همسران در روزگار پیامبر ﷺ و ائمه اطهار نشان می‌دهد که آن مردان الهی در گام نخست در تلاش بوده‌اند تا با رفع تنش‌ها، زوجین به زندگی مشترک خود بازگردند و بنیان خانواده پایدار بماند. در این تلاش راه‌کارهایی مانند بخشش، سفارش به نیک‌رفتاری، میانجی‌گری، حکمیت و الگودهی عینی برای برون‌رفت همسران از تنش‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین از دیدگاه آن پیشوایان جدایی بدون پشتوانه دلیلی منطقی، برتافتنی نبوده است. اندیشه‌های ناصواب، اخلاق ناشایست، شرایط ویژه و لعان می‌تواند موجب جدایی شود. پس از طلاق نیز با سفارش به ماندن زن در منزل خود، سعی شده است تا حد امکان مسیر بازگشت به زندگی مشترک هموار شود.

## منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹)، تفسیر القرآن العظیم، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن حبیب، ابوجعفر محمد (بی تا)، المحبر، بیروت، دار الآفاق الجدیده.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۰)، الطبقات الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۴)، الطبقات الکبری، الخامسة، طائف، مکتبه الصدیق.
- ابن شهر آشوب مازندرانی (۱۳۷۹)، مناقب آل ابی طالب، قم، علامه.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲)، الإستیعاب فی معرفة الأصحاب، بیروت، دارالجیل.
- ابن هشام، عبدالملک (بی تا)، السیره النبویه، بیروت، دار المعرفه.
- احمد بن حنبل (بی تا)، مسند احمد، بیروت، دارصادر.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۴۲۱)، کشف الغمه فی معرفة الائمة، قم، رضی.
- اشعری قمی، احمد بن محمد (۱۴۰۸)، النوادر، قم، مدرسة الإمام المهدي عليه السلام.
- بارباز اصفهانی، نجمه، مریم فاتحی زاده و اعظم پرچم (۱۳۹۵)، «مدیریت تعارض های زناشویی با رویکرد حل مسئله از منظر مشاوره خانواده و اسلام»، فصل نامه مطالعات راهبردی زنان، تهران، دوره ۱۹، شماره ۷۴، زمستان.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷)، کتاب جمل من انساب الأشراف، بیروت، دارالفکر.
- بیهقی، احمد بن حسین (بی تا)، السنن الکبری، بی جا، دار الفکر.
- ثعلبی نیشابوری، احمد بن محمد (۱۴۲۲)، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (بی تا)، المستدرک، بی جا، بی نا.
- حکیم زاده، فرزانه (۱۳۹۳)، سبک زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با همسرانش، قم، جامعه الزهراء.
- دارقطنی، علی بن عمر (۱۴۱۷)، سنن الدارقطنی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت، دارالکتب العربی.
- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۹۵)، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، تهران-قم، سمت-پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۸)، زوج درمانی با روی آورد اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سمعانی، منصور بن محمد (۱۴۱۸)، تفسیر السمعی، ریاض، دارالوطن.
- شافعی، محمد بن إدريس (۱۴۰۳)، کتاب الأم، بیروت، دارالفکر.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، تهذیب الأحکام، تهران، دارالکتب الإسلامية.
- \_\_\_\_\_ (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- طیبی، ناهید (۱۳۸۵)، زن در چشم پیامبر ﷺ: پژوهشی درباره رفتارشناسی پیامبر ﷺ با زنان، قم، بهشت بینش.
- عبدالرزاق صنعانی (بی تا)، المصنف، بی جا، المجلس العلمی.
- فرمانیان، مهدی (۱۳۸۷)، «تاریخ و عقاید فرقه های خوارج»، فصل نامه هفت آسمان، قم، دوره ۱۰، شماره ۳۷، بهار.
- قاضی نعمان، ابن حیون (۱۴۰۹)، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، قم، جامعه مدرسین.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، قم، دار الکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹)، الکافی، قم، دارالحدیث.
- مالک بن انس (بی تا)، المدونة الكبرى، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۶)، الموطأ، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مقاتل بن سلیمان بلخی (۱۴۲۳)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار إحياء التراث.
- نحاس، احمد بن محمد (۱۴۲۱)، اعراب القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- نسائی، احمد بن شعیب (۱۴۱۱)، السنن الكبرى، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹)، کتاب المغازی، بیروت، الأعلمی.